



وزیر گمرانی

در ۱۷ ماه نخست فعالیت قزلجه، ۵۰ قلم مواد غذایی پرمصرف خانوارها به طور متوسط ۱۱۸٫۲ درصد گران شده‌اند

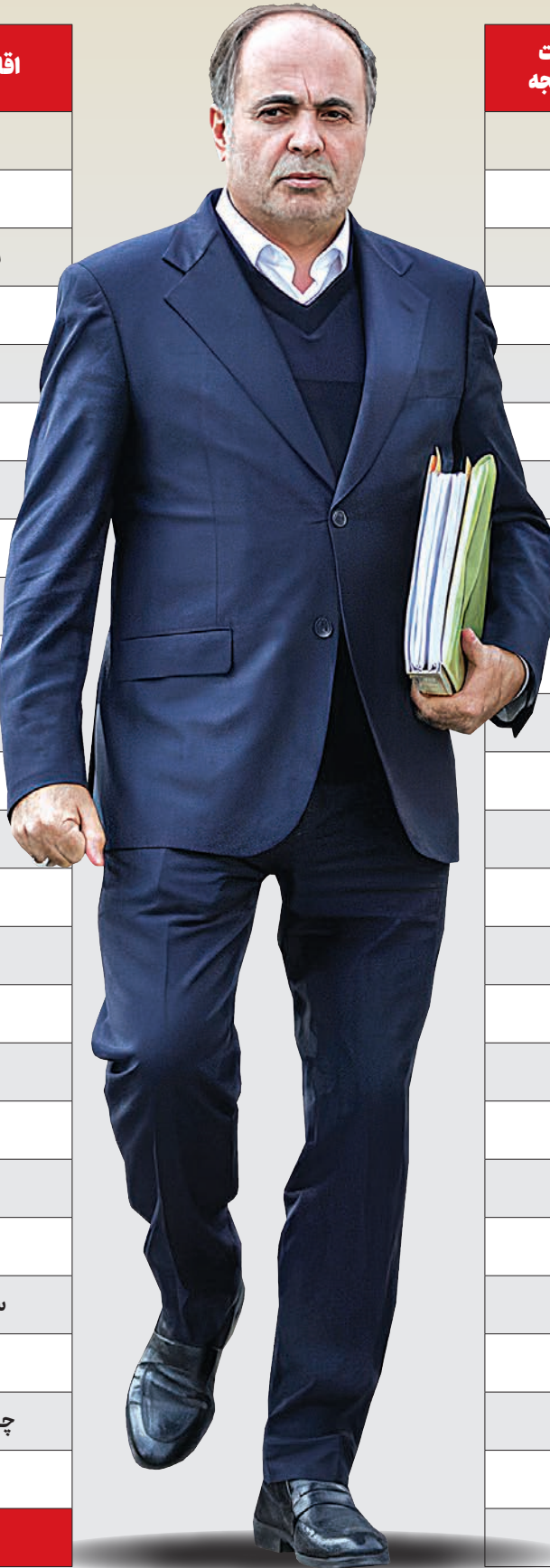
کاملاً موفق بود اما در دولت پزشکیان به علت رهاشدگی بازارها توسط وزارت جهاد کشاورزی، با وجود تخصیص ارز ترجیحی، قیمت کالاهای اساسی به شدت بالا رفته است؛ بنابراین گرانی شدید مواد غذایی در دولت چهاردهم به علت بی‌فایده بودن ارز ۲۸۵۰۰ تومانی نبود، بلکه به علت ناکارآمدی وزارت جهاد کشاورزی به ریاست قزلجه بوده است چراکه اثرگذاری ارز ۲۸۵۰۰ تومانی در دولت سیزدهم کاملاً خود را نشان داد و مانع افزایش شدید قیمت مواد خوراکی شد.

فعالیت قزلجه به عنوان وزیر جهاد کشاورزی تقریباً ۲٫۵ برابر ۱۷ ماه پایانی دولت شهید رئیسی بوده است. به عبارت دیگر گزارش مرکز آمار نشان می‌دهد در حالی که در دولت سیزدهم التهابات تورمی در بازار مواد غذایی بسیار کم شده بود، با شروع فعالیت قزلجه در دولت چهاردهم به شدت بر التهاب قیمتی مواد غذایی اضافه شده است. این مقایسه همچنین بیانگر آن است که استفاده از ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی در دولت شهید رئیسی به علت مدیریت دولت،

مواد غذایی در ماه رمضان، نگاهی انداختیم به عملکرد وی از زمان شروع به کار به عنوان وزیر جهاد کشاورزی در دولت پزشکیان. قزلجه از ابتدای شهریور ۱۴۰۳ متصدی وزارت جهاد کشاورزی شد. براساس گزارش مرکز آمار، در ۱۷ ماه نخست فعالیت قزلجه، متوسط افزایش قیمت ۵۰ قلم مواد غذایی پرمصرف خانوارها ۱۱۸٫۲ درصد بوده است. این در حالی است که در ۱۷ ماه پایانی دولت سیزدهم متوسط افزایش قیمت همین ۵۰ قلم مواد غذایی فقط ۴۷٫۷ درصد بود. بدین ترتیب، گرانی مواد غذایی در ۱۷ ماه نخست

روز گذشته غلامرضا نوری قزلجه، وزیر جهاد کشاورزی دولت چهاردهم، از وضعیت عالی ذخایر کالاهای اساسی خبر داد و گفت: برای ماه مبارک رمضان قیمت مواد غذایی تغییر نمی‌کند. قزلجه در گفت‌وگو با خبرگزاری دولتی ایرنا در خصوص قیمت کالاهای اساسی و مواد غذایی برای ماه مبارک رمضان بیان داشت: «مگر در ماه مبارک قیمت کالاها تغییر می‌کند؟ در ماه رمضان معمولاً مقداری تقاضا افزایش می‌یابد که پیش‌بینی‌های لازم برای آن را انجام داده‌ایم و مشکلی نخواهد بود.» با توجه این وعده قزلجه مبنی بر گران نشدن

اقلام خوراکی منتخب	درصد افزایش قیمت در ۱۷ ماه پایانی دولت سیزدهم	درصد افزایش قیمت در ۱۷ ماه فعالیت قزلجه
مغز گردو	۵۰٫۵	۹۷٫۷
پسته	۱۵٫۶	۹۳٫۲
مغز بادام درختی	۴۵٫۸	۱۱۳٫۳
قارچ	۸۱٫۱	۹۲٫۱
خیار	۱۵٫۷	۱۴۵٫۲
کدو سبز	۲۷٫۳	۱۳۱٫۸
بادمجان	۱۵٫۴	۱۰۷٫۰
گوجه‌فرنگی	۵۶٫۵	۱۱۹٫۸
فلفل دلمه‌ای	۶٫۴	۶۹٫۳
سیب‌زمینی	۱۲٫۰	۱۲۳٫۹
پیاز	-۱۶٫۴	۴۹٫۲
هویج فرنگی	۱۰۰٫۷	۹۱٫۶
نخود	۳۹٫۰	۱۳۸٫۷
لوبیاجیتی	۵۳٫۸	۲۹۵٫۳
لوبیا قرمز	۸۷٫۸	۱۶۹٫۱
عدس	۶۳٫۰	۹۵٫۶
لپه	۵۵٫۵	۱۸۰٫۴
قند	۸۰٫۲	۶۱٫۶
شکر	۸۹٫۰	۵۷٫۲
رب گوجه‌فرنگی	۲۳٫۴	۹۲٫۳
سس گوجه‌فرنگی	۵۲٫۸	۷۲٫۰
سس مایونز	۳۳٫۵	۷۸٫۹
چای خارجی بسته‌ای	۶۹٫۲	۱۱۵٫۹
نوشابه گازدار	۶۲٫۲	۸۸٫۷
میانگین	۴۷٫۷	۱۱۸٫۲



اقلام خوراکی منتخب	درصد افزایش قیمت در ۱۷ ماه پایانی دولت سیزدهم	درصد افزایش قیمت در ۱۷ ماه فعالیت قزلجه
برنج ایرانی درجه یک	-۳٫۴	۲۲۱٫۲
برنج خارجی درجه یک	۲۸٫۷	۲۲۳٫۰
شیرینی خشک	۵۶٫۲	۸۴٫۴
ماکارونی	۱۴٫۴	۷۵٫۸
رشته آش	۴۸٫۲	۷۱٫۸
گوشت گوسفند	۹۰٫۰	۵۳٫۱
گوشت گاو یا گوساله	۸۰٫۳	۸۶٫۳
مرغ ماشینی	۳۰٫۳	۱۲۸٫۰
ماهی قزل‌آلا	۵۵٫۳	۹۳٫۳
کنسرو ماهی تن	۱۲۱٫۲	۴۵٫۷
شیر پاستوریزه	۳۴٫۵	۱۱۳٫۵
شیر خشک	۷۹٫۷	۹۵٫۸
خامه پاستوریزه	۳۸٫۸	۱۱۲٫۱
ماست پاستوریزه	۴۱٫۶	۱۲۰٫۱
دوغ پاستوریزه	۴۰٫۲	۹۳٫۷
پنیر ایرانی پاستوریزه	۲۷٫۹	۱۱۲٫۹
تخم مرغ ماشینی	۲۵٫۵	۱۸۸٫۷
کره پاستوریزه	۳۱٫۶	۱۲۲٫۳
روغن مایع	-۱۰٫۹	۱۶۵٫۱
روغن نباتی جامد	-۱۲٫۴	۱۸۱٫۴
موز	۲۸٫۷	۸۴٫۵
سیب	۷۴٫۱	۱۳۷٫۳
لیموترش	۷۷٫۳	۳۲۵٫۹
پرتقال	۱۵۸٫۵	۵۴٫۷
هندوانه	۲۱٫۵	۱۳۷٫۳



آمریکا تعرفه ۲۵ درصدی علیه شرکای تجاری ایران وضع کرد

دشت اول مذاکرات

تحقق سریع، پیش‌بینی رهبر معظم انقلاب اسلامی: مذاکره با این دولت آمریکا گره تحریم‌ها را کورتر خواهد کرد

تا پیش از این، تحریم‌های آمریکا علیه ایران یا ممنوعیت مرافقه تجاری شرکت‌های آمریکایی با شرکت‌ها و نهادهای ایرانی بود یا تحریم‌هایی از جنس تحریم بانکی، تحریم فروش نفت، تحریم کشتیرانی و بیمه و سرمایه‌گذاری در ایران بود. در این نوع تحریم‌ها، شرکت‌های خارجی در صورت افشای همکاری تجاری با ایران، مشمول جریمه‌هایی از سوی آمریکا می‌شدند. اما در سیاست جدید ترامپ که وضع تعرفه ۲۵ درصدی علیه شرکای تجاری ایران است، نهاد دولت در کشورها هدف تحریم قرار می‌گیرد که فراگیری تحریمی بسیار گسترده‌ای نسبت به تحریم‌های پیشین دارد که شرکت‌های تجاری را هدف قرار می‌داد.

تنها چند ساعت پس از دور اول مذاکرات عباس عراقچی با تیم آمریکایی در عمان، دونالد ترامپ دستور اجرایی بی‌سابقه‌ای علیه ایران امضا کرد: وضع تعرفه تجاری ۲۵ درصدی علیه کشورهایی که از ایران کالا یا خدمات خریداری می‌کنند. این نوع تحریم در رژیم تحریمی آمریکا علیه ایران کاملاً جدید است. پیش از این آمریکا انواع و اقسام تحریم‌ها را علیه ایران وضع کرده بود اما هیچ یک از نوع وضع تعرفه تجاری علیه شرکای ایران نبود. ترامپ در دوره جدید ریاست جمهوری خود به اهمیت ابزار تعرفه تجاری پی برده و با وضع تعرفه‌های مختلف علیه واردات کالاها از کشورهای هدف، آنها را وادار به پذیرش خواسته‌های آمریکایی کند.



افزایش مالیات بر ارزش افزوده؛ تأمین مالی غیرتورمی یا فشار جدید بر معیشت؟

در شرایطی که دولت با محدودیت‌های جدی برای تأمین مالی غیرتورمی روبه‌روست، افزایش نرخ مالیات بر ارزش افزوده به عنوان یکی از گزینه‌های اصلی سیاسی در قانون برنامه هفتم پیشرفت مطرح شده است. بر اساس لایحه بودجه ۱۴۰۵، دولت قصد دارد نرخ این مالیات را از ۱۰ به ۱۲ درصد در سال آتی افزایش دهد. بررسی‌ها نشان می‌دهد با وجود نگرانی‌ها درباره آثار تورمی و معیشتی، ساختار مصرف خانواده‌ها و گستره معافیت‌ها در اقتصاد ایران به نحوی است که اثرگذاری منفی این اقدام را کاهش می‌دهد. علاوه بر این براساس تجربیات جهانی، افزایش نرخ این مالیات به شرط بهره‌مندی از زیرساخت‌های مالیات‌ستانی مناسب، منبعی پایدار برای درآمد دولت با تبعات محدود قیمتی محسوب می‌شود.

یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی سیاست‌گذاران اقتصادی، یافتن مسیرهایی برای تأمین مالی دولت بدون دامن زدن به تورم و بدون تحمیل هزینه‌های سنگین اقتصادی و اجتماعی است. در همین چارچوب، قانون برنامه هفتم پیشرفت بر افزایش سهم درآمدهای مالیاتی در بودجه تأکید کرد و دولت را ناگزیر از اصلاحات جدی در نظام مالیاتی ساخته است. در میان گزینه‌های مختلف از جمله کاهش فرار مالیاتی با افزایش نرخ برخی پایه‌ها، مالیات بر ارزش افزوده به دلیل گستره شمول و ظرفیت درآمدی بالا، جایگاه ویژه‌ای در این بحث پیدا کرده است؛ پایه‌ای که در بسیاری از کشورها ستون اصلی درآمدهای مالیاتی محسوب می‌شود.

مالیات بر ارزش افزوده؛ چهارم است؟

مالیات بر ارزش افزوده یک مالیات غیرمستقیم چندمرحله‌ای است که در طول زنجیره تولید و توزیع اخذ می‌شود، اما بار نهایی آن بر مصرف‌کننده نهایی قرار دارد. ویژگی کلیدی این مالیات، امکان اعتبار مالیاتی است که باعث می‌شود از انباشت مالیات و اخلاف در تولید جلوگیری شود.

مطالعات نظری اقتصاد نشان می‌دهد مالیات‌های مبتنی بر مصرف، در مقایسه با مالیات بر درآمد یا سرمایه، آسیب کمتری به رشد اقتصادی و کارایی اقتصاد وارد می‌کنند. به همین دلیل، افزایش نرخ مالیات بر ارزش افزوده یکی از کم‌هزینه‌ترین راه‌های بار افزایش پایدار درآمد دولت ارزیابی می‌شود.

جایگاه ایران در مقایسه با جهان

تجربه جهانی نشان می‌دهد مالیات بر ارزش افزوده به یک قاعده غالب در نظام‌های مالیاتی تبدیل شده است. تعداد کشورهایی که این مالیات را اجرامی کنند، از حدود ۵۰ کشور در اوایل دهه ۱۹۹۰ به بیش از ۱۷۵ کشور در سال ۲۰۲۴ رسیده است. میانگین نرخ استاندارد مالیات بر ارزش افزوده در کشورهای عضو OECD حدود ۱۹ درصد است و حتی در بسیاری از اقتصادهای در حال توسعه، نرخ‌هایی ۱۵ درصد بالاتر اعمال می‌شود. کشورهای همسایه ایران نیز عمدتاً در همین بازه قرار دارند. در مقابل، نرخ مالیات بر ارزش افزوده در ایران سال‌هاست در سقف ۱۰ درصد متوقف مانده است. نتیجه این وضعیت، سهم نسبتاً پایین این پایه مالیاتی در اقتصاد ایران است؛ به‌طوری‌که نسبت درآمد مالیات بر ارزش افزوده به تولید ناخالص داخلی حدود ۲.۶ درصد برآورد می‌شود، در حالی که این نسبت در ترکیه حدود ۵ درصد، در نروژ ۶.۵ درصد و دانمارک بیش از ۹ درصد است.

نگرانی‌های معیشتی و مسئله عدالت مالیاتی

یکی از اصلی‌ترین نگرانی‌ها درباره افزایش مالیات‌های غیرمستقیم، فشار بر اقشار کم‌درآمد است. با این حال، ترکیب سبد مصرفی خانوارهای ایرانی و ساختار قانونی موجود، از شدت این نگرانی می‌کاهد.

بر اساس برآوردها، حدود ۷۱ درصد از کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای ایرانی از مالیات بر ارزش افزوده معاف هستند یا با نرخ صفر محاسبه می‌شوند. کالاهای اساسی مانند اقلام خوراکی پایه، دارو، خدمات سلامت و آموزش در این گروه قرار دارند. علاوه بر این، در اصلاحیه قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۴۰۰، دولت مکلف شده است بخشی از درآمد حاصل از این مالیات با مالیات بر اجاره جبران فشار بر دهک‌های پایین، به حمایت‌های نقدی اختصاص دهد. اجرای کامل این حکم می‌تواند اثر تنزیلی مالیات بر ارزش افزوده را تا حد زیادی خنثی کند.

اثر تورمی؛ افزایش قیمت یا تورم پایدار؟

افزایش نرخ مالیات بر ارزش افزوده به‌طور طبیعی می‌تواند منجر به افزایش یک‌مرحله‌ای سطح قیمت برخی کالاها و خدمات مشمول شود. برآورد‌ها نشان می‌دهد افزایش یک واحد درصدی نرخ این مالیات، در بدترین حالت می‌تواند نزدیک به واحد درصد افزایش قیمت ایجاد کند؛ اما با در نظر گرفتن معافیت‌ها، این اثر به حدود ۰.۲ واحد درصد کاهش می‌یابد.

در سناریوی افزایش دو واحد درصدی (از ۱۰ به ۱۲ درصد)، اثر قیمتی نیز همچنان محدود و مقطعی برآورد می‌شود. حتی با در نظر گرفتن آثار غیرمستقیم از طریق نهاده‌های مشمول مالیات، افزایش سطح قیمت‌ها در مجموع کمتر از درصد تخمین زده می‌شود. نکته مهم این است که این افزایش، به معنای تورم پایدار نیست، بلکه بیشتر یک تعدیل سطح قیمت در مقطع اجرای سیاست محسوب می‌شود؛ موضوعی که تجربه کشورهای دیگر نیز آن را تأیید می‌کند.

درس عربستان؛ شوک بزرگ، اثر کوتاه‌مدت

تجربه عربستان سعودی نمونه قابل توجهی در این زمینه است. این کشور مالیات بر ارزش افزوده را در سال ۲۰۱۸ با نرخ ۵ درصد اجرا کرد و سپس در سال ۲۰۲۰ نرخ آن را به‌طور ناگهانی به ۱۵ درصد افزایش داد؛ یکی از بزرگ‌ترین جهش‌ها در میان اقتصادهای بزرگ. این سیاست در کوتاه‌مدت باعث افزایش سطح قیمت‌ها شد، اما اثر آن بر تورم پایدار نبود. در مقابل، درآمدهای حاصل از این مالیات به منبعی پایدار برای دولت تبدیل شد و به کاهش کسری بودجه کمک کرد. این تجربه نشان می‌دهد افزایش نرخ مالیات بر ارزش افزوده الزاماً به معنای تورم مزمن نیست.

زیرساخت‌های اجرایی؛ پیش شرط موفقیت سیاست

اجرای موفق افزایش نرخ مالیات بر ارزش افزوده، بدون زیرساخت اجرایی مناسب ممکن نیست. در سال‌های اخیر، با راه‌اندازی سامانه مودیان و پایانه‌های فروشگاهی، امکان ثبت و رصد شفاف معاملات تا حد زیادی فراهم شده است. در صورت اجرای کامل این سامانه‌ها، مالیات پرداختی بنگاه‌ها به‌موقع مسترد می‌شود و فشار مالی مضاعفی بر سرمایه در گردش تولیدکنندگان شفاف وارد نخواهد شد. همچنین داده‌های این سامانه‌ها ابزار مؤثری برای کاهش فرار مالیاتی و گسترش پایه مالیاتی فراهم می‌کند. به‌طور خلاصه، افزایش نرخ مالیات بر ارزش افزوده، اگرچه حساسیت‌های معیشتی و تورمی خاص خود را دارد، اما در صورت اجرای دقیق، رعایت معافیت‌ها و تحقق حمایت‌های جبرانی، می‌تواند به یکی از کم‌هزینه‌ترین و پایدارترین راه‌های تأمین مالی دولت تبدیل شود. تجربه جهانی و ظرفیت‌های اجرایی ایجادشده در داخل کشور نشان می‌دهد که این سیاست، بیش از آنکه تهدید باشد، یک فرصت برای اصلاح ساختار بودجه و کاهش وابستگی به منابع ناپایدار است.



آمریکا تعرفه ۲۵ درصدی علیه شرکای تجاری ایران وضع کرد

دشت اول مذاکرات

تحقق سریع پیش‌بینی رهبر معظم انقلاب اسلامی: مذاکره با این دولت آمریکا‌گره تحریم‌ها را کورتر خواهد کرد

گزارش

تنها چند ساعت پس از دور اول مذاکرات عباس عراقچی با تیم آمریکایی در عمان، دونالد ترامپ دستور اجرایی بی‌سابقه‌ای علیه ایران امضا کرد؛ وضع تعرفه تجاری ۲۵ درصدی علیه کشورهایی که از ایران کالا یا خدمات خریداری می‌کنند. این نوع تحریم در رژیم تحریمی آمریکا علیه ایران کاملاً جدید است. پیش از این آمریکا انواع و اقسام تحریم‌ها را علیه ایران وضع کرده بود اما هیچ یک از نوع وضع تعرفه تجاری علیه شرکای ایران نبود.

ترامپ در دوره جدید ریاست جمهوری خود به اهمیت ابزار تعرفه تجاری پی برده و با وضع تعرفه‌های مختلف علیه واردات کالاها از کشورهای هدف، آنها را وادار به پذیرش خواسته‌های آمریکا می‌کند.

تا پیش از این، تحریم‌های آمریکا علیه ایران با ممنوعیت مرادوه تجاری شرکت‌های آمریکایی یا شرکت‌ها و نهادهای ایرانی بود یا تحریم‌هایی از جنس تحریم بانکی، تحریم فروش نفت، تحریم کشتیرانی و بیمه و سرمایه‌گذاری در ایران بود. در این نوع تحریم‌ها، شرکت‌های خارجی در صورت افشای همکاری تجاری با ایران، مشمول جریمه‌هایی از سوی آمریکا می‌شدند. اما در سیاست جدید ترامپ که وضع تعرفه ۲۵ درصدی علیه شرکای تجاری ایران است، نهاد دولت در کشورها هدف تحریم قرار می‌گیرد که فراگیری تحریمی بسیار گسترده‌ای نسبت به تحریم‌های پیشین دارد که شرکت‌های تجاری را هدف قرار می‌داد.

مثلاً اگر در تحریم‌های قبلی شرکت‌های چینی یا هندی در صورت افشای تجارت با ایران مشمول تحریم‌های آمریکا می‌شدند، اکنون قرار است طبق مصوبه دولت ترامپ، چین و هند و سایر کشورهایی که شریک تجاری ایران هستند با وضع تعرفه ۲۵ درصدی برای صادرات کالاهایشان به آمریکا، تنبیه می‌شوند. طبیعی است اجرای این مصوبه دولت ترامپ، ممکن

است برخی کشورهای ضعیف که جزو شرکای تجاری ایران هستند را به کاهش واردات کالا و خدمات از ایران مجبور کند. بنابراین ضروری است دولت پرژشکیان به جای خوش‌بینی به مذاکرات عراقچی با طرف آمریکایی، از هم‌اکنون به دنبال رفع این ترندن تحریمی آمریکا باشد.

شاید هم دولت ترامپ از وضع این تحریم سنگین علیه ایران آن‌هم چند ساعت پس از پایان دور اول مذاکرات با عراقچی، به دنبال آن است که تعلیق این تحریم را به عنوان یک گزینه امتیازی به ایران در دوره‌های بعدی مذاکرات ارائه کند. نیت آمریکا هرچه باشد بار دیگر تذکرات رهبر معظم انقلاب را یادآور می‌شود که «اگر هدف از مذاکره رفع تحریم است، مذاکره با این دولت آمریکا رفع تحریم نخواهد کرد؛ یعنی تحریم‌ها را سبیس وزارت امور خارجه با همکاری وزارتخانه‌های خزانه‌داری، بازرگانی، امنیت داخلی و نماینده تجاری ایالات متحده، می‌زان خواهد داد.»

جذبات بسته تحریمی جدید آمریکا

رئیس جمهوری آمریکا به رغم برگزاری دور جدید مذاکرات میان تهران - واشنگتن، فرمان وضع تعرفه بر شرکای تجاری ایران را امضا کرد.

به گزارش ایرنا، دونالد ترامپ جمعه‌شب به وقت محلی در راستای سیاست‌های دوگانه خود در قبال ایران، فرمانی اجرایی امضا کرد که تعرفه ۲۵ درصدی را برای کشورهایی که با ایران تجارت می‌کنند، اعمال می‌کند. این اقدام ایالات متحده آمریکا شرکای تجاری ایران را هدف تعرفه‌های تنبیهی قرار خواهد داد. بر اساس فرمان ترامپ، هر کشوری که به خرید کالاها یا خدمات ایرانی ادامه دهد، با تعرفه‌های ۲۵ درصدی علاوه بر تعرفه‌های اولیه، مواجه خواهد شد. کاخ سفید نیز با تأیید امضای این فرمان از سوی ترامپ اعلام کرد که بر اساس آن، ایالات متحده می‌تواند تعرفه اضافی بر کالاهای وارداتی از کشورهایی اعمال کند که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از ایران کالا یا خدمات خریداری می‌کنند؛ اعمال کرد.

پیش از این، ترامپ در شبکه اجتماعی «تروث سوشال» خود اعلام کرده بود: «از همین حالا، هر کشوری که با جمهوری اسلامی ایران تجارت کند، برای هرگونه تجارت با ایالات متحده آمریکا تعرفه ۲۵ درصدی پرداخت خواهد کرد. این دستور قطعی و نهایی است. از توجه شما به این موضوع متشکرم!»

فرمان ترامپ با عنوان «رسیدگی به تهدیدهای ناشی از دولت ایران علیه ایالات متحده» با استناد به اختیارات ریاست جمهوری در قانون اساسی آمریکا و «قانون اختیارات اقتصادی در شرایط اضطراری بین‌المللی» (IEEPA) صادر شده است.

بر اساس این فرمان که از ۷ فوریه ۲۰۲۶ (دربوز شنبه) اجرا می‌شود، ابتدا وزارت بازرگانی موظف است شناسایی کند کدام کشورها به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از ایران خرید می‌کنند، سپس وزارت امور خارجه با همکاری وزارتخانه‌های خزانه‌داری، بازرگانی، امنیت داخلی و نماینده تجاری ایالات متحده، میزان و گستره دقیق تعرفه‌ها را تعیین می‌کند و توصیه نهایی را برای اجرا به رئیس جمهور ارائه می‌دهند.

در توضیح کاخ سفید درباره فرمان ضد ایرانی ترامپ کاخ سفید با انتشار گزاره برگ (فک شیت) درباره فرمان ترامپ آمده است: امروز، رئیس جمهور دونالد جی. ترامپ یک فرمان اجرایی امضا کرد که وضعیت اضطراری ملی جاری در رابطه با ایران را مجدداً تأیید می‌کند و فرآیندی را برای اعمال تعرفه بر کشورهایی که هرگونه کالا یا خدماتی را از ایران خریداری می‌کنند، برای محافظت از امنیت ملی، سیاست خارجی و اقتصاد ایالات متحده ایجاد می‌کند.

کاخ سفید افزود: این فرمان

سیستمی را اعمال می‌کند که به ایالات متحده اجازه می‌دهد تعرفه‌های اضافی را بر واردات از هر کشوری که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم هرگونه کالا یا خدماتی را از ایران خریداری، وارد یا به دست می‌آورد، اعمال کند.

کاخ سفید ادامه داد: رئیس جمهور می‌تواند در صورت تغییر شرایط، در پاسخ به تلافی، با اگر ایران یا یک کشور آسیب‌دیده کام‌های مهمی برای رسیدگی به وضعیت اضطراری ملی و همسویی با ایالات متحده در زمینه امنیت ملی، سیاست خارجی و مسائل اقتصادی برادر، این فرمان را اصلاح کند. بر اساس اعلام کاخ سفید، این فرمان به وزیر امور خارجه، وزیر بازرگانی و نماینده تجاری ایالات متحده اجازه می‌دهد تا تمام اقدامات لازم، از جمله صدور قوانین و دستورالعمل‌ها، را برای اجرای سیستم تعرفه و اقدامات مرتبط انجام دهند. کاخ سفید در گزاره برگ خود با عنوان «مقابله با نفوذ مخرب ایران»، مدعی شد: رئیس جمهور، ایران را به دلیل پیگیری قابلیت‌های هسته‌ای، حمایت از تروریسم، توسعه موشک‌های بالستیک و بی‌ثبات‌سازی منطقه‌ای که امنیت، متحدان و منافع آمریکا را به خطر می‌اندازد، پاسخگو می‌داند.

کاخ سفید با تکرارهای ادعای واشنگتن در حالی که خود همواره حامی گروه‌های تروریستی بوده، با بیان اتهاماتی غیرمستند مدعی شده است: «ایران - حامی اصلی تروریسم دولتی در جهان - از گروه‌های تروریستی نیابتی و شبه‌نظامیان در سراسر خاورمیانه، از جمله کسانی که آمریکایی‌ها را کشته و زخمی کرده‌اند و به‌طور فعال نیروهای آمریکایی، شرکای منطقه‌ای و متحدان را هدف قرار می‌دهند، حمایت می‌کند.»

کاخ سفید در حالی آمریکا در دوره ترامپ دچار مشکلات داخلی به‌ویژه اقتصادی و اجتماعی در پی سیاست‌های تعرفه‌ای و مهاجرتی است، مدعی شد: «سوءمدیریت منابع ایران آشکار است؛ حکومت تصمیم گرفته است که آنها را صرف برنامه‌های هسته‌ای و موشکی کند در حالی که زیرساخت‌ها و مردم آن در حال مبارزه هستند.»

کاخ سفید در گزاره برگ خود با اشاره به اعتراضات و ناآرامی‌های اخیر در ایران و ادعای حمایت از مردم و حقوق بشر و گسترش افراط‌گرایی ادعا کرد: «ایران، «تلاش‌های ایالات متحده برای صلح و ثبات را تضعیف می‌کند. این اقدامات تهدیدی غیرمعمول و فوق‌العاده مداوم برای ایالات متحده محسوب می‌شوند که مستلزم پاسخی پایدار و شدید برای محافظت از شهروندان، متحدان و منافع آمریکاست.»

در این گزاره برگ با تکرار ادعاها درباره برنامه هسته‌ای ایران آمده است: «رئیس جمهور ترامپ همواره بر این موضع پایبند بوده است که نباید به ایران اجازه دستیابی به سلاح هسته‌ای داده شود؛ تهدیدی که بارها چه در دوران مسئولیت و چه در جریان کارزارهای انتخاباتی خود بر آن تأکید کرده است.» کاخ سفید با اشاره به خروج آمریکا در دور اول ریاست جمهوری ترامپ از برجام، سیاست فشار حداکثری علیه جمهوری اسلامی ایران و معرفی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان «سازمان تروریستی خارجی» مدعی شد: «رئیس جمهور ترامپ پس از بازگشت به قدرت، فشار حداکثری را بر ایران بازگرداند تا تمام مسیرهای دستیابی به سلاح هسته‌ای را مسدود کند و با نفوذ مخرب آن در خارج از کشور مقابله کند.»

کاخ سفید در گزاره برگ همچنین به جنگ ۱۲ روزه آمریکا و اسرائیل علیه تاسیسات هسته‌ای ایران با عنوان عملیات «چکش نیمه‌شب»، ادعای از بین بردن توانمندی هسته‌ای ایران، حضور ناوگان نظامی آن در منطقه خاورمیانه و نیز حمله به ونزوئلا اشاره کرده است.

معنای این تصمیم آن است که در شرایطی که تحریم‌های سنگین، مردم ایران را تحت فشارهای کم‌رشدن قرار داده است، اگر کشوری بخواهد همچنان با ایران تجارت کند، با مجازات جدید تعرفه‌ای آمریکا مواجه می‌شود. این در حالی است که دور جدید گفت‌وگوهای هسته‌ای ایران و آمریکا روم جمعه ۱۷ بهمن‌ماه ۱۴۰۴ (۶ فوریه ۲۰۲۶) در مسقط با واسطت سلطنت عمان برگزار شد.

در این دور از گفت‌وگوها، هیات‌های مذاکره‌کننده ایران و آمریکا، مجموعه‌ای از نظرات، ملاحظه‌ها و رویکردهای خود را از طریق بدر البوسعیدی وزیر خارجه عمان به یکدیگر منتقل کردند.



میرحبیبی خاطرنشان کرد: تا زمانی که خودمان به کریدورهای کشور اعتماد نکنیم و از آن‌ها استفاده نداشته باشیم، حتی تکمیل زیرساخت‌های فیزیکی نیز منجر به بهره‌برداری اقتصادی مؤثر نخواهد شد. در ادامه نقی‌زاده با اشاره به محدودیت‌های فنی موجود در مسیر اتصال ریلی ایران به اروپا افزود: در حال حاضر اتصال ریلی ایران و ترکیه از مسیر دریاچه وان انجام می‌شود؛ به این معنا که قطارها پس از رسیدن به ایستگاه وان، باید از طریق حمل دریایی به ایستگاه تا توان منتقل شوند که این فرآیند، هم زمان‌بر است و هم ظرفیت محدودی دارد. همین موضوع باعث شده سقف مبادلات ریلی ایران و ترکیه در سال گذشته به حدود ۸۰۰ هزار تن برسد.

در بخش دیگری از برنامه، سیدعلیرضا میرحبیبی، کارشناس حمل‌ونقل بین‌المللی، با تأکید بر لزوم نگاه ژئوپلیتیکی به کریدورها اظهار داشت: فعال‌سازی راهگذرهای ایران تنها یک موضوع فنی یا اقتصادی نیست، بلکه به امنیت ملی، کاهش تحریم‌پذیری و افزایش اتصال کشور به اقتصاد جهانی مرتبط است. وی موانعی همچون مشکلات انتقال بول، بیمه حمل‌ونقل، نبود تضمین دولتی و ناهماهنگی اسنادی بین دستگاه‌ها را از عوامل اصلی‌کندی توسعه

راهگذرها دانست و افزود: اگر قرار است ایران دیگر کشورها را به استفاده از مسیرهای ترانزیتی خود دعوت کند، ابتدا باید شرکت‌های بزرگ داخلی و دولتی پیشتگام استفاده از این مسیرها شوند.

مسیرمردن-چشمه‌نژا از جمله پروژه‌هایی هستند که با تمرکز بر جذب سرمایه‌گذاری غیردولتی در حال پیگیری‌اند. در ادامه، شهریار نقی‌زاده، مدیرکل بازرگانی خارجی شرکت راه‌آهن ایران، با اشاره به جایگاه ژئوپلیتیکی ایران در تلاقی کریدورهای بین‌المللی شرق-غرب و شمال-جنوب گفت: سالانه حدود ۵۰۰ میلیون تن بار در کریدور چین-اروپا جابه‌جایی شود که سهم حمل‌ونقل ریلی آن رو به افزایش است.

وی افزود: در حالی که در سال ۲۰۲۵ بیش از ۳۱ هزار قطار باری در این مسیر تردد داشته‌اند، سهم ایران از این جریان هنوز بسیار محدود است. نقی‌زاده با بیان اینکه طی سال گذشته حدود ۶۰ قطار باری از چین وارد ایران شده است، این عدد را به مقایسه با ظرفیت واقعی کشور ناچیز دانست و تصریح کرد: تکمیل حلقه‌های مفقوده‌ای همچون رشت-آستارا و مرند-چشمه‌نژا، در کنار اصلاح سیاست‌های تعرفه‌ای و کاهش زمان سیر محمولات، می‌تواند سهم ایران از این کریدورها را به‌طور معناداری افزایش دهد.

وی همچنین از اجرای سیاست «تعرفه شناور» در راه‌آهن خبر داد و گفت: این سیاست با هدف رونق مسیرهای کم‌ترافیک اجرا شده و نتایج مثبتی از جمله بیش از ۶۰۰ هزار تن بار ریلی در کریدور تازه‌تأسیس مرز دوغان‌رو به افغانستان به همراه داشته است.

وی تصریح کرد: این عدد در مقایسه با هدف‌گذاری جریان بار ۶۰ میلیون تنی، فاصله بسیار زیادی دارد و نشان می‌دهد بدون تکمیل زیرساخت‌های ریلی و حذف گلوگاه‌های فنی، امکان بهره‌برداری اقتصادی حداکثری از راهگذرهای ریلی وجود ندارد. به همین دلیل پروژه اتصال ریلی مرند به چشمه‌نژا از اهمیت راهبردی بالایی برخوردار است و می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش ظرفیت ترانزیت شرق به غرب ایفا کند.

مدیرکل بازرگانی راه‌آهن با تأکید بر ضرورت مشارکت فعال بخش خصوصی خاطرنشان کرد: برای رسیدن به اهداف ترانزیتی، صرفاً توسعه زیرساخت کافی نیست، بلکه باید مدل‌های جدید برای سرمایه‌گذاری در این بخش طراحی شود تا بخش خصوصی اطمینان داشته باشد بازگشت سرمایه و سودآوری آن تضمین شده است. در این مسیر، اصلاح قوانین، تسهیل فرآیندهای سرمایه‌گذاری و هم‌افزایی میان دولت و بخش خصوصی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. وی گفت: راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران با نگاه راهبردی به مقوله کریدورها، تلاش دارد ضمن ارتقای جایگاه ژئوپلیتیکی کشور، از ظرفیت‌های ترانزیتی برای ایجاد درآمد پایدار و تقویت صنعت ریلی استفاده کند؛ هدفی که تحقق آن نیازمند تصمیمات جسورانه و همکاری همه‌جانبه دستگاه‌های اجرایی و بخش خصوصی است.



روغن گران و کمیاب شد

گزارش

سایت خبرآتلاین از رسانه‌های اصلی حامی دولت چهاردهم نوشته است: بررسی میدانی از بازار روغن خوراکی تهران نشان می‌دهد عرضه این کالای اساسی همچنان با محدودیت همراه است و قفسه‌ها به‌طور کامل پر نیست.

به گزارش خبرآتلاین، بازار روغن خوراکی تهران پس از حذف ارز ترجیحی و تکان قیمت‌ها همچنان در وضعیت ناپایدار به سر می‌برد؛ وضعیتی که نه‌تنها در قالب کمبود کالا، بلکه در شکل کاهش محسوس قدرت خرید خانوارها خود را نشان می‌دهد. بررسی‌های میدانی از سطح شهر تهران، از میدان انقلاب تا میدان آزادی، حکایت از قفسه‌هایی دارد که یا خالی‌اند یا با چند قلم محدود و ناقص پر شده‌اند؛ تصویری که برای بسیاری از خانوادها به یک دغدغه روزمره تبدیل شده است.

بررسی میدانی خبرنگار خبرآتلاین نشان می‌دهد در حوالی میدان انقلاب، سوپرمارکت‌های کوچک و محلی مملو از مشتریانی است که با تردید مقابل قفسه‌ها می‌ایستند و قیمت‌ها را نگاه می‌کنند. اگرچه در برخی فروشگاه‌ها روغن خوراکی یافت می‌شود، اما تنوع

برندها و حجم کالا کامل نیست و اغلب فقط چند مدل محدود یا برندهای کمترشناخته‌شده در دسترس قرار دارد.

یکی از فروشندگان این محدوده می‌گوید: «روغن بعضی روزها می‌رسد، اما نه به اندازه‌ای که جواب همه مشتری‌ها را بدهد.» در گفت‌وگو با مشتریان، مسئله فقط نبود کالا نیست، بلکه تغییر قیمت به مانع اصلی خرید تبدیل شده است.

خانم مریم، یکی از خریداران در حوالی میدان انقلاب، می‌گوید: «گاهی روغن هست، اما قیمتش طوری است که نمی‌توانم بخرم. قبلاً یک یا دو بطری برمی‌داشتم، الان اگر هم بخریم، فقط یکی و آن هم از برند ارزان‌تر.» او اضافه می‌کند که مجبور است هرچند روز یک‌بار چند فروشگاه را سر بزند تا شاید گزینه‌ای متناسب با بودجه‌اش پیدا کند.

با حرکت به سمت خیابان ولیعصر، وضعیت اندکی متفاوت است، اما نشانه‌های محدودیت همچنان دیده می‌شود. فروشگاه‌های زنجیره‌ای در این محدوده بعضاً روغن خوراکی دارند، اما قفسه‌ها کامل نیست و برخی برندهای پرمصرف یا بسته‌بندی‌های پرچم نایاب شده‌اند.

یکی از مغازه‌داران حوالی میدان ولیعصر می‌گوید: «تنوع روغن به صورت قطره‌چکانی انجام می‌شود. هر بار مقدار محدودی به

ما می‌دهند و مجبوریم بین مشتری‌ها تقسیم کنیم. از طرف دیگر، خیلی‌ها با دیدن قیمت‌ها خرید نمی‌کنند، چون توانش را ندارند.»

آقای علی، کارمند یک شرکت خصوصی در همیسن حوالی، می‌گوید: «قبلاً مسئله پیدا کردن روغن نبود؛ الان یا باید چند فروشگاه را بگردی یا اگر پیدا کردی، قیمتش بالاست. گاهی ترجیح می‌دهم اصلاً نخرم و مصرف را کمتر کنم.» به گفته او، گرانی باعث شده الگوی مصرف خانوارها تغییر کند و بسیاری از خانواده‌ها به سمت کاهش مصرف یا استفاده از روغن‌های ارزان‌تر بروند.

هرچه به سمت میدان آزادی و خیابان‌های اطراف حرکت می‌کنیم، نشانه‌های کمبود

پررنگ‌تر می‌شود. در برخی فروشگاه‌ها هیچ روغنی روی قفسه دیده نمی‌شود و تنها چند بطری محدود از برندهای کمتر شناخته‌شده یا با حجم‌های کوچک موجود است. یکی از فروشندگان این محدوده می‌گوید: «چند وقت است که روغن به‌طور منظم به دست ما نمی‌رسد. حتی وقتی هم که می‌رسد، قیمت‌ها طوری است که خیلی از مشتری‌ها قدرت خرید ندارند و دست خالی برمی‌گردند.»

تولید کاهش یافته یا عرضه محدود شده؟

فعالان بازار و منابع صنعتی، حذف ارز ترجیحی برای واردات دانه‌های روغنی و روغن خام را یکی از مهم‌ترین دلایل وضعیت فعلی می‌دانند. به گفته آن‌ها، افزایش هزینه واردات، مشکلات تأمین ارز و بالا رفتن هزینه‌های تولید باعث شده کارخانه‌ها تولید خود را کاهش دهند یا عرضه را محدود کنند.

یکی از مدیران فروش یک کارخانه تولید روغن در غرب تهران می‌گوید: «هزینه تمام‌شده بالا رفته است. اگر بخواهیم با قیمت‌های مصوب عرضه کنیم، منترصر می‌شویم. نتیجه این شرایط، کاهش عرضه در بازار است.»

در کنار مسئله عرضه، کاهش قدرت خرید مردم نقش تعیین‌کننده‌ای در رکود نسبی بازار دارد. فروشندگان می‌گویند بخش قابل توجهی از تقاضا عملاً از بازار حذف شده است؛ نه به این دلیل که روغن وجود ندارد، بلکه چون قیمت‌ها از توان مالی بسیاری از خانوارها بالاتر رفته است.

یکی از فروشندگان خیابان ولیعصر می‌گوید: «مردم وقتی قیمت را می‌بینند، می‌فهمند مشکل فقط کمبود نیست. خیلی‌ها واقعاً پولش را ندارند.»

تأثیراین شرایط به‌طور مستقیم بر سفره خانوارها قابل مشاهده است. خانم فاطمه، ساکن تهران، می‌گوید: «قبلاً روغن مورد علاقه‌مان را می‌خریدیم، الان مجبوریم یا بزنند عوض کنیم یا مصرف را کمتر کنیم.» آقای رضا، کارمند دولتی و پدر چند فرزند، نیز معتقد است که افزایش قیمت روغن فشار مضاعفی بر بودجه خانوار وارد کرده و زمان و انرژی زیادی برای تهیه کالاهای اساسی از خانواده‌ها می‌گیرد.

کارشناسان اقتصادی هشدار می‌دهند که تداوم این وضعیت می‌تواند به یک چالش ساختاری در بازار کالاهای اساسی تبدیل شود. به باور آن‌ها، بدون مدیریت دقیق توزیع، شفافیت در سیاست‌های ارزی و حمایت هدهفمند از مصرف‌کنندگان، بازار به تعادل پایدار نخواهد رسید. هرچند مسئولان صنعتی از موقتی بودن شرایط و بازگشت آرامش به بازار سخن می‌گویند، اما مشاهدات میدانی نشان می‌دهد که فعلاً نه قفسه‌ها به‌طور کامل پر شده‌اند و نه قدرت خرید مردم ترمیم شده است.

تورم درآستانه رکوردشکنی تاریخی

آمارهای بانک مرکزی و مرکزآمار از تکان تومری آینده‌ورکوردشکنی قیمت‌ها در ماه‌های آینده خبر می‌دهند. به نظر می‌رسد تورم به سرعت و در عرض چند ماه آینده ۵۰ درصد هم فراتر برود.

به گزارش خبرآتلاین، بانک مرکزی در حالی نرخ تورم کشور تا پایان دی‌ماه ۴۴٫۲ درصد محاسبه کرده که مرکزآمار چند روز پیش از آن تورم را ۴۴٫۶ درصد اعلام کرد. بانک مرکزی که ۷ سال از انتشار علنی محاسبات تومری خود جلوگیری کرده بود، چند ماهی است که دوباره دست به انتشار رپوردهایش زده است. بانک مرکزی محاسبات تورم از سال ۱۳۱۶ تا امروز را برپروی سایت خود دارد ولی مرکزآمار از ابتدای دهه ۹۰ شروع به محاسبه نرخ تورم کرده است.

با این که در تورم دی‌ماه، برآورد مرکزآمار بیش از محاسبات بانک مرکزی است اما این جزو معدود دفعاتی است که این اتفاق می‌افتد. از آنجایی که این دو مرجع رسمی اعلام‌آمار سبدهای متفاوتی در محاسبه تورم دارند، از قدیم نتایج محاسباتشان متفاوت بود. بانک مرکزی ضمانت‌آمام اطلاعات خود را از شهرها اخذ می‌کند و مرکزآمار هم شهرها و هم از روستاها و اغلب تورم در شهرها هم بیشتر است. به این ترتیب اغلب ارقام محاسبه شده از سوی بانک مرکزی بیش از ارقام اعلام شده از سوی مرکزآمار است.

در محاسبات ۱۰ ماهه اخیر همواره ارقام گزارش شده از سوی بانک مرکزی بیشتر بوده جز در دی‌ماه. همچنین بانک مرکزی میزان تورم ابتدای سال را ۳۴٫۶ درصد محاسبه کرده بود و مرکزآمار ۳۳٫۲ درصد.

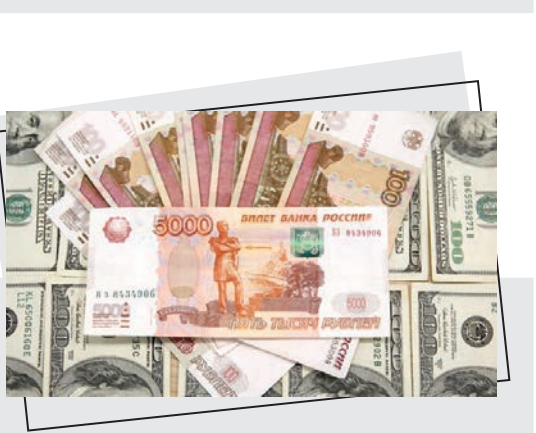
به این ترتیب بانک مرکزی فکرمی‌کند در ۱۰ ماه اخیر ۸ درصد برتورم افزوده شده اما مرکزآمار افزایش تورم را بیش از ۱۱ درصد می‌داند. با اینکه سال ۱۴۰۲ یک سال با تورم فراینده بود و در اغلب ماه‌های آن تورم به افزایش بود اما در میان ۱۰ ماهی که از سال سپری شده، تورم دی‌ماه بیشترین جهش را نسبت به دیگر ماه‌ها داشته است. در گزارش مرکزآمار تورم دی‌ماه در مقایسه با آذر ۲۰۴ واحد درصد رشد کرد و در گزارش بانک مرکزی ۱۰۸ واحد درصد. این مهم بیش از هر چیز بیانگر نقش حذف ارز ترجیحی در جهش قیمت‌ها است. البته بررسی ارقام تورم ماهانه که مرکزآمار محاسبه می‌کند نیز مؤید همین نکته است زیرا براین اساس تورم ماهانه در دی‌ماه ۷۰۹ درصد رسیده و احتمال می‌رود که تورم ماهانه در بهمن ماه هم ۸ تا درصد باشد. گفتنی است اگر برای یک سال مداوم تورم ماهانه ۸ درصد باشد، در پایان آن سال تورم سالانه سرفرمی شده است. کارشناسان نسبت به تبعات حذف ارز ترجیحی هشدارهای زیادی داده‌اند و حتی با وجود تخصیص کالابرگ، این انتظار وجود دارد که فشار تومری زیادی به مردم وارد شود.

تورم در آستانه رکوردشکنی بزرگ؟

در کل روند تومری محاسبه شده از سوی دو مرجع رسمی اعلام‌آمار در کشور همخوان هستند، گرچه در سال‌هایی شکاف میان آنها بیشتری می‌شود. از ابتدای دهه ۹۰ به این سو، تورم ایران وارد کانال‌های بالالتراشت. تا پیش از این دهه‌واز سال ۱۴۰۲ اغلب تورم در مدار ۲۰ تا درصدی قرار داشت ولی در سال‌های نخستین این دهه تورم سالانه وارد کانال ۴۰ تا ۵۰ درصدی شد و از اواخر دهه ۹۰ هم شاخص تورم وارد کانال ۴۰ تا ۵۰ درصدی شد و حتی در ۱۴۰۱ از نظر تانی مرکزی سقف ۵۰ درصدی را هم رد کرد.

مرکزآمار و بانک مرکزی با وجود اختلافی که در ارقام تومری خود دارند در این نکته توافق دارند که بیشترین تورم تجربه شده از ۹۰ تا به امروز در ۱۴۰۱ به دست آمده است؛ بانک مرکزی تورم آن سال را ۵۳٫۱ درصد اعلام کرده و مرکزآمار ۴۵٫۸ درصد. به این ترتیب دومین تورم بزرگ کشور پس از سال ۹۰م در دی‌ماه سال ۱۴۰۶ درصد از نظر مرکز آمار به دست آمده و این مهم در شرایطی است که به احتمال بسیار در دوماه باقی مانده از سال بالاتر خواهد رفت.

اخبار



روسیه چطور در زمان تحریم بازار ارز خود را مدیریت کرد؟

شبکه تراس‌تی‌های مستقر در دبی در سکوت و به دور از نظارت نهادهی به یکی از گلوگاه‌های اصلی بی‌ثباتی ارزی ایران تبدیل شده‌اند. از آنجا که واگذاری کنترل جریان ارز به واسطه‌ها، حاکمیت پولی را تضعیف کرده، ضروری است با بهره‌گیری از تجربه روسیه در زمینه «تاب‌آوری پرداخت» مسیر بازپس‌گیری کنترل ارزی ایران طراحی شود.

یکی از حلقه‌های کمتر دیده شده اما اثرگذار در بی‌ثباتی بازار ارز ایران، شبکه‌ای از واسطه‌های مالی و «تراس‌تی‌ها» مستقر در دبی است که در سال‌های تحریم، به تدریج از یک ابزار صرفاً عملیاتی برای تسهیل مبادلات، به یک «اتاق عملیات» غیررسمی در مدیریت و حتی جهت‌دهی انتظارات ارزی تبدیل شده‌اند. مسئله فقط فساد یا ناکارآمدی نیست؛ بلکه جابه‌جایی یک کارکرد حاکمیتی - یعنی دریافت، نگهداری، زمان‌بندی و تزریق و تسویه منابع ارزی - از نهادهای رسمی کشور به بازیگرانی است که نه پاسخگویی نهادی دارند و نه الزاماً هم راستا با منافع ملی عمل می‌کنند.

تراس‌تی‌ها چگونه ریسک سیستماتیک ایجاد می‌کنند؟

در مدل رایج فعلی، به جای آن که شبکه بانکی و نهادهای پولی کشور مسئول مدیریت منابع ارزی باشند، این وظیفه به واسطه‌هایی واگذار شده که غالباً با هویت‌های غیرایرانی، تابعیت‌های مضاعف و استقرار در امارات فعالیت می‌کنند. این انتقال وظیفه، در ظاهر «راهِ حل دور زدن تحریم» تلقی شد اما در عمل به واگذاری کنترل یکی از حساس‌ترین ابزارهای ثبات اقتصاد کلان یعنی کنترل بر جریان ارز انجامید.

نکته کلیدی اینجاست که تراس‌تی‌ها با کنترل زمان، حجم و مسیر بازگشت منابع ارزی می‌توانند مستقیماً در نوسانات بازار از تأخیرعامدانه در تزریق ارز گرفته تا هدایت منابع به بازارهای غیررسمی یا حتی سیگنال‌دهی منفی از طریق شبکه‌های صرافی وابسته نقش ایفا کنند. وقتی بازیگر بیرون از چارچوب سیاست پولی بتواند «شیرورودی ارز» را بازار وابسته‌شده، عملاً بخشی از حاکمیت پولی از دست نهاد رسمی خارج می‌شود و بازار به شوک‌های ساختگی یا تشدیدشونده حساس‌تر می‌گردد.

از منظر اقتصاد سیاسی تحریم، این شبکه‌ها مصادق «ذی‌نفعان تحریم» هستند؛ زیرا تداوم وضعیت تحریمی برایشان منبع رانت، کارمزدهای چندلایه، مزیت اطلاعاتی و حتی امکان چانه‌زنی سیاسی است. بنابراین طبیعی است که بخشی از این شبکه در برابر اصلاحات ساختاری مقاومت کند، چراکه این اصلاحات به معنای از بین رفتن رانت‌های موجود است.

بُعد امنیتی نیز تعیین‌کننده است، زیرا شریان پولی کشور در محیطی قرار گرفته که نه فقط زیرصرد نهادهای مالی غرب است، بلکه بنا به هشدارهای جدی، در معرض دسترس‌ی اطلاعاتی دشمنان نیز قرار دارد. این یعنی طرف مقابل می‌تواند الگوهای ورود و خروج، گلوگاه‌ها و نقاط آسیب‌پذیر را تحلیل کرده و از طریق فشار غیرمستقیم برو واسطه‌ها، زمان‌بندی بازگشت ارز را مختل کند؛ اختلالی که مستقیماً به انتظارات تومری و بازار ارز منتقل می‌شود.

چرا «جایگزینی» لازم است، نه صرفاً «کنترل»

راه حل، برخورد شعاری یا قطع دفعی نیست. تجربه نشان می‌دهد حذف ناگهانی شبکه‌های عملیاتی بدون مسیر جایگزین، هزینه مبادله را افزایش داده و ممکن است به کمبود ارز در کانال رسمی و تقویت کانال غیررسمی منجر شود. بنابراین رویکرد درست، اصلاح تدریجی اما قاطع معماری مدیریت ارز است و این اصلاح باید با بازگرداندن کنترل و ابتکار عمل به نهادهای رسمی، همراه با طراحی مسیرهای عملیاتی قابل اتکا، دنبال شود.

درس گرفتن از روسیه: «تاب‌آوری پرداخت» به جای «واسطه محوری»

روسیه پس از تشدید تحریم‌ها، بیش از آنکه روی شبکه‌های واسطه‌ای شکننده تکیه کند، به سمت ایجاد تاب‌آوری در زیرساخت پرداخت و تسویه یعنی کاهش نقاط تک گلوگاهی و افزایش امکان تداوم تجارت حتی در شرایط محدودیت رفت. ترجمه سیاستی این درس برای ایران، «یکی برداری از دور زدن نیست، بلکه طراحی حکمرانی مالی مقاوم شامل تنوع بخشی به مسیرهای تسویه و کاهش وابستگی به یک هاب (مثل امارات)، افزایش سهم تسویه با ارزهای غیردلاری در تجارت واقعی، یا سازوکارهای قابل ردیابی و تحت نظارت، تقویت ترتیبات تسویه منطقه‌ای و دوجانبه که بازگشت ارز را قابل پیش‌بینی کند، نهادسازی داخلی برای مدیریت ریسک، به جای برون‌سپاری آن به واسطه‌های غیرپاسخگو می‌شود.

در همین چارچوب، پیشنهادهایی مانند اتصال هدفمند به شبکه مالی چین (CIPS) نیز اهمیت راهبردی پیدا می‌کند، زیرا امکان تسویه مستقیم با یوآن و کاهش نقش واسطه‌های دلاری را فراهم می‌سازد اما این اتصال باید با دقت «تجارت واقعی و قابل تسویه» و نه ایجاد یک لایه واسطه‌گری جدید باشد.

بسته پیشنهادی برای گذار از تراس‌تی‌ها (واقع‌گرایانه و مرحله‌ای)

بسته پیشنهادی برای گذار از تراس‌تی‌ها به صورت واقع‌گرایانه و مرحله‌ای شامل انتقال مرحله‌ای دریافت، نگهداری و تسویه ارز از تراس‌تی‌ها به سازوکارهای بانکی شفاف و تحت نظارت با نقشه راه، زمان‌بندی و شاخص‌های قابل پایش، تنظیم‌گری سخت‌گیرانه روی ریسک زمان‌بندی بازگشت ارز از طریق ایجاد قواعد روشن دربارهِ مهلت بازگشت، مسیر تسویه و هزینه‌گذاری برای تایخیرهای غیرموجه، تنوع بخشی جغرافیایی و نهادی به منظور کاهش ریسک تمرکز روی دبی از طریق کانال‌های رسمی در چند حوزه قضایی و سازوکارهای تسویه دوجانبه، پیمان‌های پولی دوجانبه مبتنی بر پوشش تجارت واقعی به گونه‌ای که هم واردکننده و هم صادرکننده بتوانند تسویه را پیش‌بینی پذیرانجام دهند و نیاز به بازار غیررسمی کاهش یابد و حکمرانی داده و امنیت مالی شامل یکپارچه‌سازی داده‌های ارزی، کنترل دسترسی و کاهش نشست اطلاعات الگویی پرداخت‌کن می‌تواند به ابزار فشار تبدیل شود، می‌شود. به طور کلی، تراس‌تی‌ها فقط یک «مسیر دور زدن» نیستند. در شکل فعلی، آن‌ها به گلوگاهی تبدیل شده‌اند که می‌تواند علیه ثبات ارزی کشور عمل کند، چون کنترل زمان و مسیر بازگشت منابع را بیرون از حاکمیت پولی قرار می‌دهد و ذی‌نفعان تحریم می‌سازد. جایگزینی آن‌ها باید با رویکرد «تاب‌آوری مالی» انجام شود و مدیریت ارز به نهادهای رسمی بازگردد، مسیرهای تسویه تنوع بخشی شوند، تمرکز بر امارات کاهش یابد و تجربه روسیه در مقاوم‌سازی زیرساخت پرداخت به کار گرفته شود.

